



چهل ستون اصفهان

در آن خلوتگه عشق شمع از جسد آتش بجان چهل ستون زد
 در دو طرف استخر سفره شام روی قالیها گسترده شده بود . ظروف
 بزرگ زرین و سیمین «پلو» از دور دیده میشد و پیشخدمت های مخصوص شاه
 با لباس کوتاه مازندرانی برای تقسیم غذا میان مهمانان ایستاده بودند بهنگام
 صرف شام جامهای می مالا مال میشد و سفرا و حضار برای عظمت شاه سلطان
 حسین جامهای خود را لاجرعه بسر میکشیدند. چون کم کم هوا تاریک شد نخست
 فانوسهای بزرگ آوردند و در دنبال آن سفره های ابریشمین گسترده روی
 آن شمای قدی و چراغهای به سهمی گوناگون گذاشتند نور این چراغها
 که در آب استخر مقابل چهل ستون منعکس شده بود ، با روشنائی آسمان
 صاف و تابناک در آمیخته و در کنار آن استخر زیبا و آن درختان سبز گردنکش
 منظره زیبا و دلکشی بوجود آورده بود که کاملاً بیک تابلوی نفیس نقاشی
 مینمود . مطربان و ساز زنان گرجی و تاتار پیوسته در ترنم و دست افشانی و
 پایکوبی بوده و حاضرین غرق در شمع و مستی شده بودند . درین شب بمناسبت
 جشن سالیانه تاجگذاری شاه سلطان حسین ، اصفهان در مستی و طرب افتاده
 بود جلوقصر چهل ستون ، گذشته از دوصف تفنگدار ، یکدسته غلامان خوش
 صورت نیز در دوصف ایستاده بودند که برخی جامهای زرین شراب و برخی

دیگر ظروف شربت در دست داشتند و مردم را شراب و شربت میدادند. اهالی اصفهان نیز برای شرکت در جشن و شادی شاه از غروب بقهوه خانه‌ها و کوکناار-خانه‌ها رفته و مشغول تفریح بودند تمام شهر چراغان بود و قهوه خانه در پرتو چراغهای گوناگون و شمعهای بلند و فانوسهای رنگارنگ چون عروسی غرق در آرایش خود نمایی میکرد. چراغهای فراوانی که از سقف قهوه خانه‌ها آویخته بودند، مانند ستارگان آسمان دلبری می نمود، حوضهای بزرگی که در وسط قهوه خانه‌ها ساخته شده بود، بر اثر انعکاس نور چراغ ها، چون آسمان پر ستاره میدرخشید. در اطراف هر قهوه خانه، طاق نمایی ساخته بودند که با فرشهای گوناگون مفروش شده بود و آنجا محل نشستن مشتریان و تماشاگران بود. شاه سلطان حسین، پس از آنکه از پادشاه ناپسند خوش و سرگرم گردیده بگردش در شهر پرداخت و با ندیمان و امراء بقهوه خانه‌ها سرکشی کرد. شاه در یکی از قهوه خانه‌های بزرگ و معروف فرود آمد و در یکی از طاق‌ها قرار گرفت. پس از ورود شاه، جوانان زیبای گرجی و اصفهانی که معمولاً در قهوه خانه‌ها برای خدمت مشتریان و ساقیگری و رقص استخدام میشدند با لباس زنانه بصدای «دایره» و چهار پاره برقص برخاستند و تا شاه در قهوه خانه بود، با رقص‌های گوناگون ایران و گرجی و هندی و تاتار حضار را سرگرم و سرخوش میساختند پس از چند دقیقه بساط عیش گسترده شده و شاه پس از لحظه‌ای چند، با همراهان خود وارد بازار شده از آنجا بکاروانسراها رفت و سپس بتماشای نقاشی و آثار نفیس هنرمندان معروف پرداخت در بازار اکثر از صاحبان دکاکین هدایا و تحفه گرانبهائی تقدیم شاه نمودند و شاه سلطان حسین خوشدل و شادمان، از قهوه خانه‌های بقهوه خانه دیگر رفته صاحب قهوه خانه را مفتخر و شاد کام میساخت. در این هنگام که شاه در قهوه خانه‌ها سرگرم گردش و عشرت بود، در یکی از اطاقهای داخل حرم که در قسمت آخر چهل ستون قرار گرفته بود، دو عاشق و معشوق قدیمی و دو دلدار و واله سردر آغوش هم نهاده و بر از رویا مشغول بودند. «کرشمه» یکی از کنیزان زیبای دلربای حرم از دیر زمانی دل بخم گیسوی «حمزه» یکی از شاهزادگان درباری بسته و از ترس شاه سلطان حسین جرأت و یارای ملاقات با او نداشت. کبوتر قاصد

زیبای غالباً واسطه این دودلداده بوده و چون همد از سلیمان بیلقیس پیام میآورد . حمزه میرزا از شاهزادگان درباره صفوی که بعزت کاردانی و شجاعت منضوب و منفور شاه سلطان حسین بود ، هیچگاه قدرت نداشت از دلبر گرجی که از جان و دل او را میپرستید خواستگاری کند ، زیرا تقاضای زناشوئی با دختر بقیعت جان خود و معشوقه اش تمام میشد . این دودلداده که روزها و هفتهها و ماهها در فراق و هجران بسر برده و گاهگاهی سحر گاه و یاهنگام غروب بوسیله کبوتر قاصد نامه ای عاشقانه برای هم میفرستادند پیوسته منتظر فرصت بودند تا مراسم جشن و سروری برپا شود و شاه سلطان حسین از قصر خارج گردد و آن دودلداده از بازار آشفته استفاده نموده و در آغوش هم بر ازونیاز پیردازند . پس از ماهها انتظار سرانجام این جشن برپا شد و شاه صفوی برای برپا ساختن جشن سالیانه تاجگذاری در قصر چهل ستون مجلس بزم با شکوهی بیاراست و برای شگون و میمنت تا نیمه شب در شهر گذرانید کرشمه و حمزه ازین فرصت استفاده کرده و در یکی از زوایای قصر چهل ستون که چون محرمحانه راز از نظر نامحرمان و غلامان برکنار بود ، مجلس بزمی بپا ساختند و سرخوش و سرمست بمیگساری و بادیه نوشی پرداختنند .

حمزه خوش سیمای خوش ذوق که از عشق کرشمه بآموختن « کمانچه » مشغول شده بود کمانچه را بدست گرفته و پارچه حریری برای ضعیف ساختن صدا بر روی پوست کمانچه کشیده و آهنکی طرب افزا بنواخت و چنان شوری برپا کرد که « کرشمه » نازنین که ازرقاصه های زیبای گرجی بود طاقت از دست بداد و پیای کوبی و دست افشانی مشغول گردید . دودلداده مست ، دو عاشق و معشوق آشفته چنان سرگرم نواختن و رقصیدن بودند که از زبان آتش کوچکی که از شمع بزرگ قدی بگوشه دیوار بوجود آمده بود بیخبر ماندند . آندو بانوشیدن جام شراب خود را در بهشت انگاشته و شمع از سد آتشین بجان چهل ستون زده بود . حمزه کمانچه مینواخت و « کرشمه » با یک دنیا کرشمه و ناز میرقصید که فریاد غنله غلامان و فراشان در بار ایشان را بخود آورد و پیش از آنکه در آن همه مه و هیاهو ، فراشان دربار بان خلوت که عشق پی ببرند ،

خود را از مخصه بیرون کشیدند و کرشمه سرمست، با کتیزان به آب پاشیدن بقصر دشغول گردید .

شاه هنوز از بیرون نیامده بود که شهر را غرق آشوب و هنگامه دیده تمام مردم با شتاب از قهوه خانه‌ها و کاروانسراها بیرون ریخته و جمعی بطرف خانه خود رفته و گروهی بسمت قصر هجوم می‌آوردند . همراهان شاه بسرعت خود را بقصر عالی و با شکوه چهل ستون رسانیده و دیدند شعله آتش با آسمان رسیده است .

چون شاه از واقعه آگاه شد ، هراسان خود را بقصر رسانید و دید تمام ندیمان و خدمتگذاران و زنان حرم با استفاده از فواره‌های آب چهل ستون در سدد خاموش ساختن شعله‌های آتش هستند . این حریق که تا سحرگاه ادامه داشت ، قسمت مهمی از قصر و تابلوهای نفیس چهل ستون را بسوخت و شاه پس از آنکه با عصبانیت و خشم بحرم رفت ، فرمان داد از صبح بعد به تعمیر قصر پرداخته و آثار سوخته را مرمت نمایند . قصر چهل ستون که یکی از زیباترین و با شکوه ترین آثار صفوی در اصفهان و یکی از بزرگترین آثار شرق بشمار میرود در سال پنجم سلطنت شاه عباس ثانی بنا بفرمان او ساخته شد و شاید تاریخ ساختمان آن سال ۱۰۵۷ هجری قمری باشد .

این قصر باشکوه که در باغی مستطیل که از مغرب بمشرق قرار گرفته ، در حدود یک متر بالاتر از زمین ساخته شده و در قسمت جلور و بمشرق ایوان بزرگی دارد که بیست عدد ستون از چوب کاج بشکل کثیر الاضلاع با ارتفاع سی قدم ، از عمارت نگاهبانی مینماید ، سقف این ایوان تمام با قابهای کوچک بسیار ظریف قابسازی شده و نقاشی‌های مختلف با تذهیب‌های عالی در طاقها و دیوارهای قصر خودنمایی میکنند . یک حوض مرمر در وسط ایوان زیر طاق ساخته شده که سابقاً از چهار پایه که بشکل شیر حجاری گردیده در آن آب جاری میشده است . در دنبال این ساختمان یک ایوان آئینه کاری ممتازی قرار گرفته که از آن با طاق‌های مجاور و طالار بزرگ ، در گذشته‌اند ، در مقابل ایوان بزرگ استخر بزرگ مستطیلی است که سابقاً اطراف آن فواره‌ها در استخر آب میریخت و امروز بعضی از آن فواره‌ها بحال خود باقیست و چون انعکاس بیست

ستون قصر در آب ، با بیست ستون قصر بصورت چهل ستون در میآمده ، این قصر را چهل ستون خوانده اند .

ایوان بزرگ از طرف شمال و مشرق و جنوب بازا است و از طرف مغرب بداخل تالار بزرگی متصل میگردد . این تالار از کج بریهای ممتاز لاجوردی و طاق کاری نوین است و تمام بدنه آن از سنگ مرمر مینا کاری پوشیده شده و در قسمت بالا صورت های مختلف عشاق که غالباً در حال رقص و ترنم هستند ، با رنگ و روغن کشیده شده است و بالاتر از آن شش تابلوی بزرگ نقاشی شده که سه عدد آن در طرف مغرب و سه عدد آن در طرف مشرق قرار گرفته بزیر هلال طاقتا منتهی میگردد شش مجلس نقاشی عبارتند از : مراسم میهمانی همایون شاه هندی در دربار شاه طهماسب اول و مجلس بزم خان ازبک و جنگ شاه عباس اول با ازبک ها و یک مجلس دیگر از بزم شاه طهماسب و این چهار تابلو از نقاشی های زمان صفویه است و دو نقاشی در اثر حریق زمان شاه سلطان حسین از بین رفته است و عوض آن در سالهای بعد ، شاید در زمان قاجاریه دو تابلوی جدید یکی از جنگ نادر شاه در هند و دیگری از کریمخان زند بر تابلوی سابق افزوده اند که از آثار محمد زمان خان ، نقاش معروف عصر قاجاری باشد . گذشته از تابلوهای مزبور ، یک پرده نقاشی از صورت ناصرالدین شاه نیز در این تالار خود نمایی میکند . میگویند تاجگذاری شاه عباس ثانی در این تالار صورت گرفته و این قصر پیوسته مخصوص سلام بوده و تخت مرصع سلاطین صفویه در این اتاق قرار داشته است .

این قصر با شکوه در سال ۱۱۱۸ قمری در زمان شاه سلطان حسین آتش گرفت و ماده تاریخ این حریق چنین است «هزار و یکصد و هجده زهجرت نبوی - گذشته بود که آتش بچهل ستون افتاد» میگویند در این حریق بیست ستون و قسمتی از آخر قصر طعمه آتش گردید و بنا بدستور شاه سلطان حسین مجدداً تعمیر و ساخته شد چون سقف بندی این ایوان از الوارهای بزرگ تشکیل شده غالباً در معرض خطر حریق است و گفته میشود که نادر شاه افشار در روی الوار سقف این قصر یادگاری نوشته است . . . این قصر که پس از حریق بنا بدستور شاه سلطان حسین تعمیر گردید در حکومت جا برانه و مخرب مسعود میرزای ظل السلطان که قسمت اعظم اینیه صفویه در اصفهان بنا ویران و خراب

شد دستخوش تعرض قرار گرفت و قسمت اعظم از تابلوهای نقاشی آن در زیر گچ محو و پنهان گردید و بعدها آقای سرلشکر فیروز (ناصرالدوله) هنگامیکه حکومت اصفهان را بعهده داشتند در صدد مرمت و پاک نمودن گچها برآمده و قسمتی از تابلوهای نفیس را از زیر گچ بیرون کشیده و دستور بتکمیل نقاشی آن دادند که متأسفانه بر اثر عدم توجه نقاشان جدید تابلوهای مزبور اکثراً روح اصلی خود را از دست داده اند و در زمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر که توجه زیادی بحفظ آثار قدیم مبذول میگردید ، در حفظ و تعمیر این بنا و سایر قصور و مساجد صوفیه در اصفهان مساعی و مجاهدت فراوانی بعمل آمد و مخصوصاً شادروان «مجدزاده صهبا» باعلاقه فراوانی در حفظ و تعمیر این ابنیه کوشید . بنا به پیشنهاد آن مرحوم ، آثار کاشی کاربهایی که در نقاشی مختلف اصفهان بصورت ویرانه درآمده بود جمع آوری کرده و در اطراف این باغ باسبک و استیل سابق کار گذاشته اند که از جمله سردر مسجد قطبیه از آثار شاه طهماسب (۹۲۰ هجری) میباشد سپس جانشین آن مرحوم آقای روان بد ، نیز که از جوانان هنرمند و از لیسانسیه های رشته باستان شناسی و فارغ التحصیل دانشکده معماری میباشد در تکمیل نوشته های آن مرد پاک سرشت اقدام نمود .

از حوادث مهم تاریخی آنست که خوشبختانه در سال قبل تصادفاً از روی دو تاریخ ساختمان و تعمیر قصر چهل ستون گچهای کشیده زمان ظل السلطان برداشته شد و دو ماده تاریخ زیر نمایان گردید .

بعهد شهنشاه عباس نانی که عهدش جوان کرد پیر جهان را
مبارک بود ز آنکه تاریخ آن شد مبارک ترین بناهای دنیا
(۱۰۵۷)

و منظومه ای که متضمن تاریخ تعمیر چهل ستون است ، مفصل و مطلع و مقطع آن چنین میباشد :

بحمدالله که باز از نو باقبال شهنشاهی

مرصع شد زمین و آسمان از ماه ، تاماهی

تا آنجا که میگوید :

«نجیب» از نوبطاق آسمان بنوشت تاریخش

و مبارکیاد تالار بلند ایوان جمجاهی ،

که مصرع دوم شعر بحساب ابجد ۱۱۱۸ قمری یعنی مصادف با سال

هفدهم سلطنت شاه سلطان حسین میباشد .